

## ابوبکر محمد بن زکریای رازی

محمد زکریای رازی (۲۵۱ ه.ق. - ۳۱۳ ه.ق.) پزشک، فیلسوف و شیمی‌دان ایرانی که آثار ماندگاری در زمینه پزشکی و شیمی و فلسفه نوشته است و به‌عنوان کاشف الکل و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک) مشهور است.

به گفته جرج سارتن، پدر تاریخ علم، رازی «بزرگ‌ترین پزشک اسلام و قرون وسطی بود.» این دانشمند ایرانی از آن‌جا که کتاب‌های خود را به زبان عربی می‌نوشت، نزد غربیان به جالینوس عرب نیز مشهور بوده است.

به پاس زحمات فراوان رازی در داروسازی روز پنجم شهریورماه (۲۷ اوت)، روز بزرگداشت زکریای رازی شیمی‌دان بزرگ ایرانی و روز داروسازی نام‌گذاری شده است.



ابوبکر محمد بن زکریای رازی

نام وی محمد و نام پدرش زکریا و کنیه‌اش ابوبکر است. مورخان شرقی در کتاب‌هایشان او را محمد بن زکریای رازی خوانده‌اند، اما اروپائیان و مورخان غربی از او به نام‌های رازس Rhazes=razes و الرازی Al-Razi در کتاب‌های خود یاد کرده‌اند. به گفته ابوریحان بیرونی وی در شعبان سال ۲۵۱ هجری (۸۶۵ میلادی) در ری زاده شد و دوران کودکی و نوجوانی و جوانی‌اش در این شهر گذشت. چنین شهرت دارد که در جوانی عود می‌نواخته و گاهی شعر می‌سروده‌است. بعدها به زرگری و سپس به کیمیاگری روی آورد. وی در سنین بالا علم طب را آموخت. بیرونی معتقد است او در ابتدا به کیمیا اشتغال داشته و پس از آن‌که در این راه چشمش در اثر کار زیاد با مواد تند و تیزبو آسیب دید، برای درمان چشم به پزشکی روی آورد. [۳] در کتاب‌های مورخان اسلامی آمده‌است که رازی طب را در بیمارستان بغداد آموخته‌است، در آن زمان بغداد مرکز بزرگ علمی دوران و جانشین دانشگاه جندی شاپور بوده‌است و رازی برای آموختن علم به بغداد سفر کرد و مدتی نامعلوم در آنجا اقامت گزید و به تحصیل علم پرداخت و سپس ریاست بیمارستان «معتضدی» را برعهده گرفت. پس از مرگ معتضد خلیفه عباسی، به ری بازگشت و عهده‌دار ریاست بیمارستان ری شد و تا پایان عمر در این شهر به درمان بیماران مشغول بود. رازی در آخر عمرش نابینا شد، درباره علت نابینا شدن او روایت‌های مختلفی وجود دارد، بیرونی سبب کوری رازی را کار مداوم با مواد شیمیایی چون بخار جیوه می‌داند.

رازی در تاریخی بین ۵ شعبان ۳۱۳ ه.ق. \* الی ۳۱۳ ه.ق. در ری وفات یافته‌است. مکان اصلی آرامگاه رازی نامعلوم است.

#### در مورد تاریخ تولد و مرگ رازی

مهم‌ترین سند تاریخی درباره تولد و مرگ رازی کتاب «فهرست کتب رازی» نوشته ابوریحان بیرونی است. در این کتاب تولد رازی در غره شعبان ۲۵۱ (قمری) ه.ق. و درگذشت او در پنجم شعبان ۳۱۳ ه.ق. ثبت شده‌است. ضمناً «در این رساله ابوریحان علاوه بر آن که صریحاً تاریخ تولد و وفات رازی را متذکر شده، مدت عمر او را به سال قمری شصت و دو سال و پنج روز و به شمسی شصت سال و دو ماه و یک روز به‌طور دقیق آورده‌است.» اما در منابع مختلف تاریخ‌های متفاوتی در مورد تولد و مرگ رازی آمده‌است.

## زندگی

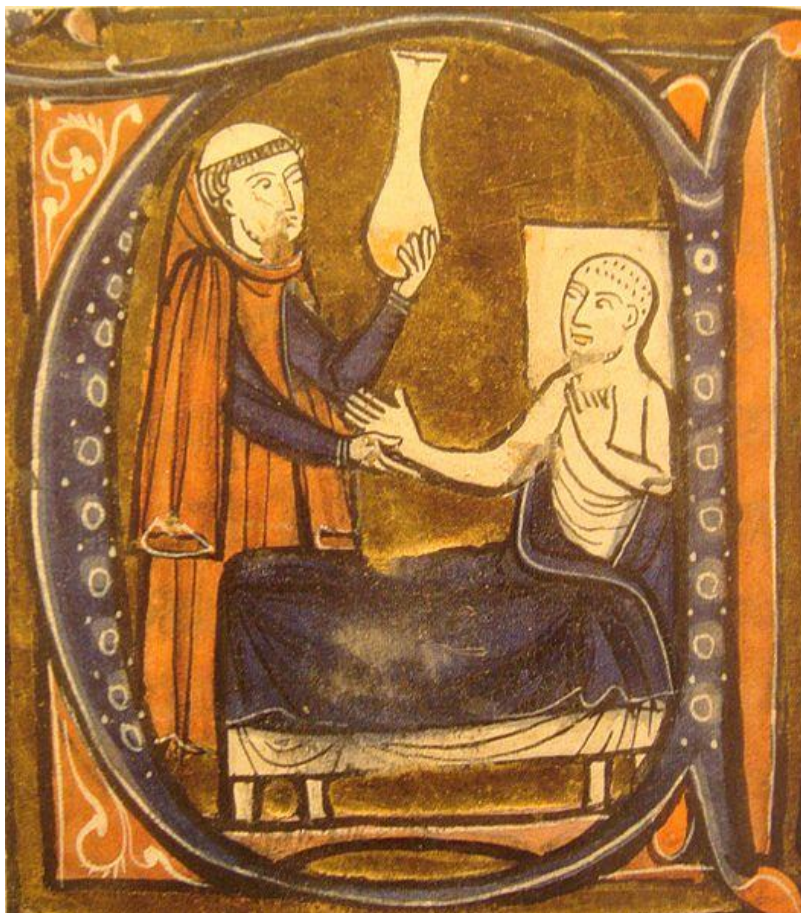
نام وی محمد و نام پدرش زکریا و کنیه‌اش ابوبکر است. مورخان شرقی در کتاب‌هایشان او را محمد بن زکریای رازی خوانده‌اند، اما اروپائیان و مورخان غربی از او به نام‌های رازس Rhazes=razes و الرازی Al-Razi در کتاب‌های خود یاد کرده‌اند. به گفته ابوریحان بیرونی وی در شعبان سال ۲۵۱ هجری (۸۶۵ میلادی) در ری زاده شد و دوران کودکی و نوجوانی و جوانی‌اش در این شهر گذشت. چنین شهرت دارد که در جوانی عود می‌نواخته و گاهی شعر می‌سروده‌است. بعدها به زرگری و سپس به کیمیاگری روی آورد. وی در سنین بالا علم طب را آموخت. بیرونی معتقد است او در ابتدا به کیمیا اشتغال داشته و پس از آن‌که در این راه چشمش در اثر کار زیاد با مواد تند و تیزبو آسیب دید، برای درمان چشم به پزشکی روی آورد. در کتاب‌های مورخان اسلامی آمده‌است که رازی طب را در بیمارستان بغداد آموخته‌است، در آن زمان بغداد مرکز بزرگ علمی دوران و جانشین دانشگاه جندی شاپور بوده‌است و رازی برای آموختن علم به بغداد سفر کرد و مدتی نامعلوم در آنجا اقامت گزید و به تحصیل علم پرداخت و سپس ریاست بیمارستان «معتضدی» را برعهده گرفت. پس از مرگ معتضد خلیفه عباسی، به ری بازگشت و عهده‌دار ریاست بیمارستان ری شد و تا پایان عمر در این شهر به درمان بیماران مشغول بود. رازی در آخر عمرش نابینا شد، درباره علت نابینا شدن او روایت‌های مختلفی وجود دارد، بیرونی سبب کوری رازی را کار مداوم با مواد شیمیایی چون بخار جیوه می‌داند.

رازی در تاریخی بین ۵ شعبان ۳۱۳ ه.ق. \* الی ۳۱۳ ه.ق. در ری وفات یافته‌است. مکان اصلی آرامگاه رازی نامعلوم است.

## در مورد تاریخ تولد و مرگ رازی

مهم‌ترین سند تاریخی درباره تولد و مرگ رازی کتاب «فهرست کتب رازی» نوشته ابوریحان بیرونی است. در این کتاب تولد رازی در غره شعبان ۲۵۱ (قمری) ه.ق. و درگذشت او در پنجم شعبان ۳۱۳ ه.ق. ثبت شده‌است. ضمناً «در این رساله ابوریحان علاوه بر آن که صریحاً تاریخ تولد و وفات رازی را متذکر شده،

مدت عمر او را به سال قمری شصت و دو سال و پنج روز و به شمسی شصت سال و دو ماه و یک روز به طور دقیق آورده است.» اما در منابع مختلف تاریخ‌های متفاوتی در مورد تولد و مرگ رازی آمده است.



رازی در حال دیدن قاروره (نمونه ادرار بیمار)

رازی طبیبی حاذق و پزشکی عالی قدر بود و در زمان خود شهرت به‌سزایی داشت. رازی از زمره پزشکانی است که بعضی از عقاید وی در درمان طب امروزی نیز به‌کار می‌رود، مخصوصاً در درمان بیماران با مایعات و غذا. پزشکان و محققین از کتاب‌ها و رسالات رازی در سده‌های متمادی بهره برده‌اند. ابن‌سینا رازی را در طب بسیار عالی‌مقام می‌داند و می‌توان گفت برای تألیف قانون از حاوی رازی استفاده فراوان کرده است.

## آبله و سرخک

رازی اولین کسی است که تشخیص تفکیکی بین آبله و سرخک را بیان داشته‌است. وی در کتاب آبله و سرخک خود به علت بروز آبله پرداخته و سبب انتقال آن را عامل مخمر از راه خون دانسته‌است و ضمن معرفی آبله و سرخک به‌عنوان بیماری‌های حاد، نشانه‌هایی از بی‌خطر یا کشنده بودن آن‌ها را بیان می‌دارد و برای مراقبت از بیمار مبتلا به این بیماری‌ها روش‌هایی را توصیه می‌کند از جمله به‌عنوان اولین طبیب استفاده از پنبه را در طب آورده و به منظور زخم نشدن بدن بیماران آبله‌ای از آن بهره می‌برده و در مراقبت از چشم‌ها و پلک و گلو و بینی این بیماران توصیه فراوان کرده‌است. در کتاب آبله و سرخک رازی در مورد آبله و سرخک چه قبل از ظهور بیماری و چه بعد از آن و جلوگیری از عوارض بیماری به اندام‌های بدن تدابیری آورده شده‌است.

## تشریح

در دوران رازی تشریح جسد انسان رواج نداشت و این کار را ناپسند و خلاف آموزه‌های دینی می‌دانستند و عموماً به تشریح میمون می‌پرداختند. رازی در کتاب‌های خود از جمله کتاب الکناش المنصوری از تشریح استخوان‌های و عضلات، مغز، چشم، گوش، ریه، قلب، معده و کیسه صفرا و... سخن گفته‌است و طرز قرار گرفتن ستون فقرات و سوراخ‌ها و زائده‌های آن و نخاع شوکی را به خوبی شرح داده‌است. رازی نخستین پزشکی است که برخی از شعبه‌های اعصاب را در سر و گردن شناخته و پیرامون آن‌ها توضیحاتی داده‌است.

## درمان بیماری‌های داخلی

رازی اسراف در دارو را بسیار مضر می‌داند، وی معتقد بوده‌است تا ممکن است مداوا با غذا و در غیر این صورت با داروی منفرد و ساده و گرنه با داروی مرکب به عمل آید. رازی می‌گوید: «هرگاه طبیب موفق شود بیماری‌ها را با غذا درمان کند، به سعادت رسیده‌است.»

وی بسیاری از داروها را روی حیوانات امتحان کرده و اثرات آنها را ثبت و تشریح کرده است و سپس برای بیماران تجویز می کرده است.

## جراحی

اگرچه رازی به عنوان پزشک مشهور است اما بعضی از مورخان او را به نام «جراح» می شناسند. از مطالعه آثار وی چنین برمی آید که در جراحی صاحب نظر بوده است. وی درباره «سنگ کلیه ها و مثانه» کتابی نوشته و در آن تاکید کرده است در صورتی که درمان سنگ مثانه با راه های طبی مقدور نباشد، باید به عمل جراحی پرداخت و در این کتاب از اسبابی که با آن عمل سنگ مثانه را انجام می داده، نام می برد. رازی اولین طبیبی یا (پزشکی) است که در عالم طب از سل مفصلی انگشتان صحبت کرده است. در شکسته بندی و دررفتگی ها قدم هایی برداشته و آثاری از خود به جا گذاشته است.

## تغذیه

رازی از اولین افرادی است که بر نقش خوراک در تندرستی و درمان پافشاری بسیار دارد. رازی کتابی درباره خوراک دارد به نام «منافع الاغذیه و مضارها» که یک دوره کامل بهداشت خوراک است و در آن از خواص گندم و سایر حبوبات و خواص و ضررهای انواع آبها و شرابها و مشروبات غیرالکلی و گوشت های تازه و خشک و ماهی ها و... سخن گفته است و فصلی در باب علل و جهات اشتها و هضم غذا و ورزش و غذاهای گوارا و پرهیزهای غذایی و مسمومیت ها دارد.

## شیمی و داروسازی

رازی تحصیل شیمی را پیش از پزشکی شروع کرده است و در آن آثاری چشم گیر از خود برجا گذاشته است. عمده تأثیر رازی در شیمی طبقه بندی او از مواد است. او نخستین کسی بود که اجسام را به سه گروه جمادی، نباتی و حیوانی تقسیم کرد. وی پایه گذار شیمی نوین است؛ با وجود آن که کیمیاگری را باور دارد.

«هر چند که بعضی از کیمیاگران معاصر در ایران نوعی از تبدل ناقص فلزات را به طلا «تبدل رازی» می‌نامند. ولی چون رازی از دیدگاه مراحل بعدی علم در نظر گرفته شود، باید او را یکی از بنیان‌گذاران علم شیمی بدانیم.» در کتاب «سرّ الاسرار» او می‌خوانیم که مواد را به دو دسته فلز و شبه فلز (به گفته او جسد و روح) تقسیم می‌کند و اگر در این زمینه اشتباهاتی می‌کند، چندان گریزی از آن ندارد. برای نمونه جیوه را شبه‌فلز می‌خواند در صورتی که فلز بودن جیوه اکنون آشکار است.



تصویری منتسب به رازی

کشف‌های بسیار به رازی نسبت داده می‌شود از جمله:

رازی کاشف الکل است.

از تأثیر محیط قلیایی بر کانه پیلیت، اسید سولفوریک فراهم کرد و با داشتن اسید سولفوریک بدست آوردن دیگر اسیدها آسان بود

از تأثیر آب‌آهک بر نوشادور (کلرید آمونیوم)، اسید کلریدریک بدست آورد.

با اثر دادن سرکه با مس، استات مس یا زنگار تهیه کرد که با آنها را زخم را شستشو می‌دادند

از سوزاندن زرنیخ، اکسید آرسنیک یا مرگ موش فراهم کرد

برای نخستین بار از نارنج اسید سیتریک تهیه کرد.

او نخستین پزشکی است که داروهای سمی آکالوئیدی ساخت و از آنها برای درمان بیمارانش بهره گرفت.

دین

رازی کتب زیر را در مورد دین نگاشته است:

فی ان للانسان خالقا متقنا حکيما که در آن می گوید انسان قطعا خالق حکیمی داشته است.

رساله ی " الی علی بن شهید البلخی فی تثبیت المعاد ". همچنان که از نام کتاب پیداست و "ابن ابی اصیبعه" نیز می گوید، کتاب در نقد نظریه منکران معاد است.

" فی ان النفس لیس بجسم " در مورد جدا بودن روح از جسم.

"النقض علی الکیال فی الامامه"

"کتاب الامام والمأموم المحقین"

او همچنین کتب زیر را در زمینه ی امامت نگاشته است:

فی آثار الامام الفاضل المعصوم

رازی به خدا و ماوراءالطبیعه اعتقاد داشت، و سخت پابند به توحید و معاد و اصالت و بقاء روح بود.

با این وجود، وی نبوت و وحی را نفی می کرد و ضرورت آن را نمی پذیرفت. کتب زیر به این اعتقاد وی اشاره دارند.

«فی النبوات» که دیگران به طعن و استهزاء نام او را «نقض الادیان» نهاده اند.



«فی حیل المتنبین» دیگران به طعن نام او را «مخارق الانبیاء» گذاشته اند.

دو کتاب بالا اکنون در دست نیست. اما جنیفر مایکل در کتابش نقل قول هایی از کتب بالا می آورد. همچنین احمد بیرشک می نویسد: «از تعلیمات او این بود که همه آدمیان سهمی از خرد دارند که بتوانند نظرهای صحیح درباره مطالب عملی و نظری به دست آورند، آدمیان برای هدایت شدن به رهبران دینی نیاز ندارند، در حقیقت دین زیان آورده است و مسبب کینه و جنگ. نسبت به همه مقامات همه سرزمین ها شک داشت.»

گروهی معتقدند این تفکرات رازی موجب خشم علمای اسلامی علیه او شد و او را ملحد خواندند و آثار او را رد کردند و دست به نابودی آنها زدند. گروهی نیز معتقدند «چگونه ممکن است کسی همه اصول مبدأ و معاد و روح و نفس را پذیرفته باشد و منکر نبوات و شرایع باشد؟». آنها خصوصا به این نکته اشاره دارند که رازی سه کتاب در مورد امامت نگاشته. در حالی که «کسی که منکر شرایع و نبوات باشد درباره امامت حساسیتی ندارد.»

برخی همچون نویسنده "خزینه الصفیا" او را از اکابر صوفیه می شمارند که پیوسته از خوف خدا در گریه بود.